

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۲ جولای ۲۰۱۵

کمونیست‌ها در دفاع از روژاوا، وظایف آگاهانه و داوطلبانه دارند! «جهان دیگری ممکن است»

کمونیست‌ها وظیفه دارند طبقه کارگر کشور خودشان را متحد کنند تا این طبقه به لحاظ موقعیت و قدرت عظیمی که در عرصه تولید دارد پیشگام همه جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش‌های حقوق طلب کوچک و بزرگ شود تا با سازمان‌دهی و هدایت یک جنبش قدرت‌مند سیاسی-اجتماعی سراسری، سیستم سرمایه‌داری را واژگون کند و جامعه‌ای بسازد که در آن جامعه، هر کس به اندازه توانش کار کند و به اندازه نیازش هم سهم ببرد. جامعه‌ای که نه جنسیت و ملیت و نه رنگ و زبان نسبت به همدیگر هیچ‌گونه برتری نداشته و همه شهروندان از موضع برابر و دوش به دوش هم در جهت بالندگی جامعه تلاش می‌کنند.

اما وظیفه کمونیست‌ها، نه تنها به همین جا و به چارچوب ملی و کشوری خلاصه نمی‌شود، بلکه آن‌ها به عنوان کمونیست‌های انترناسیونالیست، وظیفه آگاهانه و داوطلبانه‌ای دارند تا به یاری جنبش‌های سیاسی-اجتماعی حقوق طلب و آزادی‌خواه و عدالت‌جو بشتابند. هر چند که شاید به آن جنبش و رهبری آن، انتقادهای جدی هم داشته باشند. به عبارت دیگر، انتقاد مانع از این نمی‌شود که کمونیست‌ها در آن جنبش شرکت نکنند تا جهان دیگری را ممکن سازند.

هدف این مطلب، این نیست که تاریخ را مرور کند و نشان دهد کمونیست‌ها در طول تاریخ چه کار کرده‌اند. هر چند که خود این امر مفید و ضروری‌ست. هدف این مطلب، تحولات روژاوا و حضور نیروهائی که خود را کمونیست می‌نامند در این تحولات است.

امروز یک منطقه جغرافیائی، یعنی در قلب خاورمیانه پرتلاطم و سیاه، به نام «روژاوا یا همان (کردستان سوریه)»، وجود دارد که در مقابل همه ما کمونیست‌هاست. در این منطقه و در سه کانتون خودگردان دموکراتیک، یعنی کانتون جزیره، عفرین و کوبانی تشکیل شده‌اند که اداره کل جامعه و همه امورات آن‌ها از پائین و مستقیماً توسط همه ساکنین این منطقه بدون توجه به جنسیت و ملیت و باورهای مذهبی با قوانین کاملاً سکولار و انسانی و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه اداره می‌شود؛ همه در جهت ساختن یک جامعه آزاد و برابر و دموکراتیک با موازین و معیارها و قوانین بغایت انسانی، اجتماعی و سکولار و چپ تلاش می‌کنند.

نام کانتون کوبانی، به خاطر شجاعت و قهرمانی‌ها و جان‌فشانی‌های تحسین برانگیز یگان‌های خلق و یگان‌های زنان که به مدت چهار ماه در محاصره گروه اسلامی تروریستی «دولت اسلامی» یا همان (داعش) قرار داشت به تاریخ پیوست و آوازه جهانی پیدا کرد. داعش که پیشروی‌های سریع در عراق و سوریه داشت تنها جایی که تاکنون شکست سختی خورده است در همین کوبانی‌ست. این مسأله باعث شد که توجه افکار عمومی جهان، به ویژه نیروهای سکولار و چپ

و کمونیست به روژاوا مطعوف گردد. هر چند که هنوز به این منطقه به طور شایسته و بایسته توجه نشده است. به علاوه جنگ رهائی بخش یگان های خلق روژاوا علیه نیروهای تبهکار داعش و آزاد سازی روستاها و شهرها از کنترل و اشغال جنایتکارانه این گروه وحشی و بی رحم اسلامی، همچنان جریان دارد.

به علاوه دشمنی دولت ترکیه، به ویژه رئیس جمهور روان پریش اسلامی آن، با روژاوا و همکاری مستقیم و غیرمستقیم و نهان و آشکار با داعش ادامه دارد.

اخیرا «گولسر یلدرم» نماینده پارلمان ترکیه از حزب دموکراتیک خلق ها (د.پ) در شهر ماردین، خاطرنشان ساخت که حفر خندق در مرز نصیبین-قامشلو نشانه تداوم سیاست های خصمانه دولت ترکیه علیه غرب کردستان است.

یلدرم، همچنین هشدار داد که مداخله نظامی احتمالی علیه کردستان و کردستان سوریه، ترکیه را در آتش خاورمیانه گرفتار خواهد ساخت و راه را بر جنگ شدید داخلی در خود ترکیه خواهد گشود.

پس از آزادسازی شهرستان «گری سپی» از سوی مبارزان ی.پ.گ و ی.پ.ژ، دولت ترکیه شمار زیادی از نظامیان خود را به مرزهای غرب کردستان گسیل داشته و تدارک جنگی نوین را می گیرد. همچنین روند حفر خندق مرزی در مرز قامشلو-نصیبین را تسریع نمود. این خندق ۳ متر عمق، ۲ متر پهنا و ۵۰۰ متر طول دارد.

دولت ترکیه، پیش تر هم به حفر خندق دست زده بود، اما در پی اعتصاب غذای عایشه گوکان و کردها در مرز، حفر خندق و احداث دیوار مرزی متوقف شد.

گولسر یلدرم، در مصاحبه با خبرگزاری «فرات نیوز» افزود گفت و گوی رؤسای مشترک شهرداری با استاندار انجام گرفت ولی آن ها ادعا کردند که حفر خندق در راستای حفظ امنیت است. یلدرم ادامه داد که بهانه امنیتی، صحیح نیست و افزود: «باید دیوارهای مرزی از میان برداشته شود. دولت ترکیه به احداث دیوار و کار گذاشتن مین دست می زند. همچنین خندق حفر می کند. این راهکاری درست نیست. زیرا به معنای جداساختن یک خلق از یکدیگر است.»

یلدرم، تأکید کرد که حفر خندق نشانه تداوم سیاست های خصمانه دولت ترکیه علیه غرب کردستان است و افزود: «این خندق در واقع در راستای از میان بردن دستاوردهای ملت کرد حفر می شود. اثبات می کند که دولت ترکیه تحمل دیدن آزادی کردها را ندارند.»

وی در خاتمه افزود: «گسیل آن همه نیروی نظامی به مرزهای غرب کردستان پس از آزاد سازی شهرستان گری سپی از لوث وجود تبهکاران داعش و گفت و گو بر سر مداخله نظامی ترکیه علیه سوریه، خطرناک است. آزادسازی گری سپی به نفع ترکیه است. خوب می دانیم که کردها برای ترکیه تهدید نیستند. این در حالی است که ترکیه هم این را می داند ولی به دشمنی علیه غرب کردستان دست می زند. آن ها صلح داخلی و خارجی نمی خواهند. ما معتقدیم که خندق نشانه سیاست های خصمانه است. دشمن و تهدید اصلی علیه ترکیه، داعش است.»

به گفته صالح مسلم، رهبر مشترک حزب اتحاد دموکراتیک کردستان سوریه، اردوغان و بارزانی با حفر خندق، روژاوا را در محاصره قرار داده اند.

فرماندهی کل نیروی «ی.پ.گ» اعلام کرد که پس از گذشت ۶۵ روز، عملیات نظامی «فرمانده روبار قامشلو» پایان یافت و طی آن، ۱۱ هزار کیلومتر مربع از لوث وجود تروریست های داعش پاک سازی شد.

فرماندهی کل نیروی ی.پ.گ در پایگاه «شهید سرحد» در روستای «حیمو» از توابع قامشلو، کنفرانسی خبری برگزار و اعلام کرد که به عملیات نظامی فرمانده روبار پایان می دهند.

در این کنفرانس خبری که بسیاری از رسانه ها در آن حضور داشتند، «سوزدا دیرک» عضو فرماندهی ی.پ.گ ضمن اشاره به اهمیت عملیات، به ویژه پس از آزادسازی مناطق تل حمیص و تل براک، گفت:

«تبهکاران داعش به روستاهای تل‌تمر حمله کردند. بر این اساس ما عملیات نظامی فرمانده روبار را آغاز کردیم. این تصمیم ما بنا به خواست ملت‌های منطقه بود. این عملیات در مناطق غربی کانتون جزیر آغاز شد. تمامی نیروهای تحت فرماندهی ی.پ.گ در عملیات شرکت کردند. عملیات از کوهستان قزوان آغاز و به سوی روستاهای تل‌تمر و سریکانی ادامه یافت. همچنین شهرستان‌های مبروکا و سلوک آزاد شدند و نیروهایمان در نهایت توانستند خود را به گری‌سپی و عین‌عیسی برسانند.»



«سوزدا دیرک» عضو فرماندهی ی.پ.گ

دیرک، در ادامه سخنان خود افزود که عملیات نظامی آن‌ها بر اساس ۲ مرحله انجام گرفته است و گفت: «عملیات نظامی نیروهای ما بر اساس دو مرحله بود. این نیروها و دیگر نیروهای مبارز در کنار هم به حملات تبهکاران پاسخ دادند و ضعیف‌بودن تبهکاران داعش را برای تمامی جهانیان اثبات کردند. همچنین مقاومت بی‌نظیر نیروهای ما علیه تبهکاران اثبات شد. در مرحله نخست نیروهای ما کوهستان قزوان، شهرستان تل‌تمر و روستاهای تابعه سریکانی را از لوٲ وجود تبهکاران آزاد ساختند و امنیت را در منطقه برقرار کردند. در مرحله دومین هم نیروهای ما شهرستان مبروکا و سلوک را از وجود تبهکاران آزاد ساختند. هر دو شهر در مدتی کوتاه تحت کنترل ی.پ.گ درآمدند. هم‌زمان، نیروهای ما در کوبانی به سوی گری‌سپی پیشروی کردند.

نیروهای ما در مدت‌زمانی کوتاه توانستند به سوی شهرستان گری‌سپی پیشروی کنند که بسیار استراتژیک بود. این شهر هم پایگاه اصلی تبهکاران داعش بود و هم دروازه مرزی در همسایگی ترکیه. با آزادی آن، راه میان کوبانی و جزیره باز شد. لذا رساندن کمک‌ها به کوبانی آسان‌تر شد.»

دیرک، گفت که نیروهایشان از گری‌سپی به سوی شهرستان عین‌عیسی حرکت کرده و آن شهر و روستاهای آن را هم به طور کامل پاکسازی کردند. وی افزود: «با این پیروزی، ضرباتی مهلک بر پیکره تبهکاران وارد شد و ناچار به عقب‌نشینی شدند. تبهکاران به حملات گسترده انتحاری دست زدند و اثبات شد که شکست سنگینی خورده‌اند.»

دیرک، خاطرنشان ساخت که تبهکاران در روزهای اخیر به حمله دست زده‌اند و افزود: «تبهکاران که شکست سنگینی خوردند به حملات گسترده دست زدند. بزرگ‌ترین حمله آن‌ها در حسکه، کوهستان قزوان، منطقه آلیا، جنوب، غرب و جنوب شهرستان عین‌عیسی و حومه شهرستان سرین بود. حملات آن‌ها در تمامی نقاط هم‌زمان بود. تبهکاران در روستای خالی از سکنه از قبیل بیدی در حومه کوهستان قزوان و روستای ریحانیه بیگارا، الگانا، آلیا، ام‌الرمل، عین‌عیسی و برخی روستاهای کوچک دیگر کوبانی و شهرستان سرین مستقر شده بودند. همچنین در نزدیکی پل قره‌قوزاق سنگر گرفته و به حمله دست زدند. تمامی حملات تبهکاران در هم شکسته شد.»

دیرک، افزود که نیروهای ی.پ.گ و ی.پ.ژ به مقاومتی بی‌نظیر در تمامی مناطق دست زدند و افزود: «نیروهای ی.پ.گ و ی.پ.ژ با کمک برکان‌الفرات به مقاومتی عظیم دست زدند. در این مقاومت به دنبال آزادسازی ۱۱ هزار کیلومتر مربع، ما به عملیات خود پایان می‌دهیم.»

دیرک، نتایج این عملیات را چنین جمع‌بندی کرد: «در ۶۵ روز گذشته نیروهای ما منطقه‌ای در حدود ۱۱ هزار کیلومتر مربع را از لوٹ وجود تبهکاران داعش آزاد ساختند. در این عملیات ما، نتایج بسیاری از حملات و درگیری‌ها به دست نیامد، اما با وجود آن، آمارها اثبات می‌کند که تبهکاران داعش ضرباتی مهلک دریافت کرده‌اند. مطابق آن، در ۶۵ روز گذشته تاجائی که مشخص شده، نیروهای ما ۱۳۱۵ تبهکار داعش را کشته‌اند. جنازه‌های ۵۲۹ تبهکار به دست مبارزان ما افتاد. همچنین مقادیر زیادی مهمات و تجهیزات نظامی به غنیمت نیروهایمان درآمد.

بدون شک این پیروزی در سایه رنج‌ها و فداکاری‌های جانباختگان ما حاصل شد. در این ۶۵ روز در مجموع ۱۱۸ مبارز ما قهرمانانه نبرد کرده و جان باختند.»

دیرک، در خاتمه سوگند یاد کرد که نیروهای ی.پ.گ و ی.پ.ژ برای ایجاد غرب کردستان آزاد و سوریه دموکراتیک به راه مبارزاتی جانباختگان خود ادامه خواهند داد.

در خاتمه کنفرانس خبری، دیرک به پرسش‌های خبرنگاران در مورد ابعاد عملیات فرمانده روبر، پاسخ داد. کوبانی که از نظر جغرافیائی محصور و در مقابل حملات ضربه‌پذیر است، به لحاظ ستراتیژیک هم منطقه مهمی است. اشغال این منطقه، علاوه بر قتل عام هزاران انسان، بلکه به خصوص که ارتجاع داعش به آن‌ها به عنوان نیروهای سکولار و چپ نگاه می‌کند که مستحق نابودی فیزیکی به بدترین شکل ممکن هستند؛ اشغال این منطقه، صدها هزار انسان از جمله مردم کرد را از سرزمین‌هایی که هزاران سال در آن زیسته‌اند می‌راند، و در عین حال دسترسی داعش به مرز ترکیه و شمال غربی عراق را هم ساده‌تر و همکاری آن‌ها را تنگاتنگ‌تر می‌کند.

بنابراین، از مبارزه رزمندگان روژاوا که هنوز خطر حملات داعش آن‌ها را تهدید می‌کند بدون تردید باید از مبارزه سیاسی، اجتماعی و نظامی و مقاومت جسورانه مردم این منطقه، برای دفاع از خود در برابر داعش و هرگونه نیروی ارباب و سرکوب دولتی و غیردولتی، حمایت کرد. بی‌تردید باید در برابر تهدید تروریست‌های اسلامی، بسیج مسلحانه تودمئی و تحت نظارت دمکراتیک کارگران و دهقانان فقیر، یک ضرورت حیاتی است.

به همین خاطر کمونیست‌ها و همچنین همه نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو موظفند از هر طریق ممکن به دفاع از مردم روژاوا برخیزند. از جمله باید در بازسازی کوبانی، و رساندن کمک‌های مختلف مردمی، همچنین سلاح‌های مورد نیاز جهت دفاع از روژاوا کوشا باشند. با این حال، برای تثبیت روژاوا، باید نسبت به هرگونه تلاش دولت‌ها و گرایشات بورژوائی، هشدار داد. این یک حقیقت غیرقابل انکار است که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ئی که در گذشته به گروه‌های تروریستی اسلامی از جمله داعش، سلاح می‌دادند تا منافع خود را پیش ببرند اما وقتی همین سلاح‌ها علیه خودشان نشانه گرفته شد، به دنبال مسلح کردن گروه‌های دیگری در سوریه هستند. به علاوه داعش ابزار مهم طرح «خارومیانه بزرگ» است. یعنی تکه‌تکه کردن کشورهای بزرگ منطقه. مدت‌هاست که داعش عملاً عراق و سوریه را تکه‌تکه کرده است. طرحی که از زمان بوش مطرح شده و هنوز هم در روی میز کاخ سفید و پنتاگون است. بنابراین، نباید هیچ توهمی به سیاست‌ها و اهداف سرمایه‌داری و قدرت‌های جهانی و منطقه‌ئی داشت.

تا آنجا که به کمونیست‌ها بازمی‌گردد، هر جا ستم و استثمار و نابرابری وجود داشته باشد نباید نسبت به آنجا بی‌تفاوت باشند به خصوص اگر بتوانند در آن کشور و یا منطقه فعالیت کنند نباید فرصت‌های تاریخی را از دست بدهند.

کوبانی، هنوز تلی از خاک است. نبرد سخت میان افراد گروه داعش اسلامی آدم‌کش و تبهکار و مقاومت بی‌نظیر مبارزان زن و مرد، پیر و جوان، شهر را به ویرانه تبدیل کرده است. مردم کوبانی، شایسته و نیازمند هرگونه کمک هستند و حالا یک گروه مارکسیست المانی قصد پیاده کردن پروژه‌ای انسان‌دوستانه را در آنجا دارد.

یک گروه ۱۴۰ نفره از آلمان، داوطلب بازسازی کوبانی شده تا با ۸۰۰ تن سیمان، ساختمانی به مساحت ۷۰۰ مترمربع بسازند. این ساختمان قرار است تا اکتوبر سال جاری به مرکز بهداشتی-درمانی شهر تبدیل شود، با یک اتاق عمل،

چهار اتاق معاینه و دو سالن انتظار. طرح گروه یاد شده این است که از سالن‌های انتظار برای برنامه‌های اجتماعی نیز استفاده شود.

اداره این مرکز به مردم کوبانی سپرده خواهد شد. ابتکار این پروژه با گروه «هماهنگی بین‌المللی احزاب و سازمان‌های انقلابی» است که شاخه‌ای از «حزب مارکسیست-لنینیست المان» است. این گروه موفق شده است در عرض چند ماه وسایل پزشکی، دارو و وسایل کار ساختمانی را به ارزش ۱۳۰ هزار یورو و کمک مالی به ارزش ۱۱۰ هزار یورو جمع‌آوری کند.

در مجموع روی این حساب می‌شود که چیزی حدود ۶۰۰ هزار یورو مخارج این پروژه باشد. هنوز روشن نیست که آیا گروه داوطلب موفق به ساختن مرکز درمانی تا اکتوبر خواهد شد یا نه. امری که این کار پرمخاطره را خطرناک‌تر می‌کند، این است که دولت ترکیه در حال حاضر اجازه ورود هیچ‌گونه کمک‌های انسانی را به خاک سوریه از مرز خود نمی‌دهد.

داوطلبان مارکسیست - لنینیست المانی در حال حاضر به شکل‌های مختلف در روزاوا حضور فعالی دارند و هنوز معلوم نیست آن چند تن کمک جمع‌شده چگونه قرار است به دست‌شان برسد.

یکشنبه ۲۹ جون ۲۰۱۵، در برخی شهرهای المان نسبت به سیاست‌های خشونت‌طلبانه و غیرانسانی دولت ترکیه، از جمله در مقابل کنسولگری‌های آنکشور حرکت‌های اعتراضی برگزار کردند. شعار اصلی معترضین «مرزها را باز کنید، کوبانی باید زنده بماند!» بود.

از جمله در شهر کسل نیز تجمع و سخنرانی یکی از نمایندگان «حزب مارکسیست-لنینیست المان» از حملات زبوانه داعش به مردم کردستان سخن گفت و بر همبستگی بین‌المللی با مردم کوبانی تأکید کرد. سخنان وی با ابراز احساسات هزاران نفر روبه‌رو شد.

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست ترکیه (م.ل.ک.پ)، اعلام کرده است که اولین گردان نظامی ویژه غرب کردستان (روزاوا) را در شهر سری کانی-راس العین واقع در کانتون جزیره تشکیل داده است.

به گزارش خبرگزاری «هاوار» در غرب کردستان، حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست این گردان را با نام یکی از فرماندهان جان‌باخته خود «گردان شهید سرکان» نام‌گذاری کرده است. بنا به گزارش مذکور، اخیراً در مراسمی با حضور نمایندگان اداره خودگردان کانتون جزیره، حزب کمونیست کردستان و تعدادی از فرماندهان ی.پ.گ و ی.پ.ژ، مقر این گردان در شهر سری کانی-راس العین رسماً افتتاح شده است.

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست ترکیه، از اوایل تشکیل کانتون‌های خودگردان در روزاوا تعدادی در کانتون‌های جزیره و کوبانی حضور نظامی داشته است؛ نیروهای این حزب پس از سقوط منطقه شنگال به دست داعش نیز تعدادی از نیروهای خود را در کوهستان شنگال مستقر کرده‌اند.

نیروهای م.ل.ک.پ پیش‌تر هم در کوبانی و هم در جزیره دوشادوش یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ)، علیه اعضای مسلح گروه تبه‌کار داعش جنگیده‌اند، اما این اولین بار است که به طور گردانی ویژه برای کانتون‌های خودگردان روزاوا تشکیل می‌دهند. این حزب که خود را پیرو افکار «دنیز گزمیش» -چهره سرشناس و فعال کمونیست ترک که در سال ۱۹۷۲ توسط دولت ترکیه اعدام شد- می‌داند، چندی پیش اعلام کرد که در مناطق تحت کنترل حزب کارگران ترکیه (پ.ک.ک) در کوهستان قندیل نیز پایگاه آموزش دایر کرده است.

این حزب، پیش‌تر اعلام کرده بود که قصد دارد در روزاوا یک بریگارد بین‌المللی، از داوطلبان انترناسیونال تشکیل دهد. اکنون تعدادی از نیروهای این حزب در جریان درگیری با گروه داعش در کانتون‌های جزیره و کوبانی جان خود

را از دست داده‌اند. تاکنون دست‌کم چهار نفر از اعضای این حزب در درگیری با اعضای مسلح گروه داعش در روژاوا جان خود را از دست داده‌اند و ده‌ها نفر دیگر زخمی شده‌اند.

بنا به گزارش خبرگزاری فرات نیوز، پس از حمله داعش به کوبانی حزب م.ل.ک.پ با سایر سازمان‌های چپ رادیکال در سراسر جهان از جمله امریکای لاتین، اروپا، بالکان و شرق آسیا تماس گرفته است و از آنها برای کمک به مقاومت کوبانی درخواست کرده است.

در ادامه گزارش آمده است که افرادی با ملیت‌های مختلف به فراخوان این حزب پاسخ داده‌اند و به نیروهای روژاوا پیوسته‌اند؛ به طوری که در حال حاضر در صفوف نیروهای «م.ل.ک.پ»، علاوه بر زبان کردی، زبان‌های عربی، ترکی، لازی، المانی و اسپانیایی نیز رایج است.

اکنون در پی آن فراخوان حزب مذکور قصد دارد به کمک این داوطلبان نیروئی بین المللی تحت عنوان «بریگاد انترناسیونال» در کوبانی و دو کانتون دیگر روژاوا تشکیل دهد.

«دیالان سرکان» از فرماندهان نیروهای م.ل.ک.پ به خبرگزاری فرات گفته است: «حزب ما پس از مدتی فراخوانی برای سازمان‌های انقلابی و دموکراتیک جهان فرستاد تا در انقلاب روژاوا شرکت کنند... ما نیروی خود را متحد کردیم و تجربه اندوختیم.»

وی درباره تشکیل بریگاد انترناسیونال نیز گفته است که این نیرو «همکاری خلق‌های جهان را تمثیل خواهد کرد و به یک نقطه امید اساسی تبدیل خواهد شد.»

نام «بریگاد بین‌الملل» یادآور نیروئی با همین نام است که حدود هشتاد سال پیش و در جریان جنگ داخلی اسپانیا در کنار کمونیست‌های اسپانیایی علیه نیروهای فرانکو فاشیست و دیکتاتور آن کشور جنگید. در بریگاد بین‌الملل اسپانیا نیز نیروهای داوطلب کمونیست و آنارشیست از سراسر اروپا مشارکت داشتند.

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست ترکیه در سال ۱۹۹۴، در پی اتحاد دو سازمان سوسیالیست انقلابی ترکیه تشکیل شده است.

گردانی تحت نام «گردان انترناسیونالیست آزاد» به منظور دفاع از تمامی ملت‌های غرب کردستان و خاورمیانه و نیز جنگ علیه قدرت‌طلبان، حاکمان و تبهکاران داعش، تشکیل شد. نهم جون ۲۰۱۵، در شهرستان سربکانی کانتون جزیر غرب کردستان «گردان انترناسیونالیست آزاد» به منظور دفاع از تمامی ملت‌های غرب کردستان و خاورمیانه و همچنین پشتیبانی از عملیات نظامی گسترده «فرمانده روبر قاشلو» که از ۶ می در کانتون جزیره آغاز شده، طی مراسمی اعلام موجودیت کرد. اعضای این گردان جدید متشکل از اعضای حزب مارکسیست-لنینیست، حزب کمونیست ترکیه - مارکسیست لنینیست، نیروهای مشترک از کشورهای چرکز، یونان، ترکیه، المان، ارمنی و... هستند.





عکس‌ها برگرفته از خبرگزاری فرات نیوز

سال ۲۰۱۱، همزمان با بهار عربی در خاورمیانه، مردم سوریه نیز بر علیه حکومت بشار اسد به پا خاستند. اما با دخالت دولت‌های غربی و منطقه‌ای و در رأس همه امریکا و ترکیه و عربستان سعودی و قطر، این اعتراضات سیاسی و اجتماعی مردم سوریه را که تا حدودی نیز دولت را به عقب‌نشینی وادار کرده بودند به سرعت به جنگ داخلی تبدیل کردند. آن‌ها از جمله گروه‌های اسلامی تروریستی مانند داعش و جبهة النصر را مسلح کردند و به داخل سوریه فرستادند. تاکنون حدود چهار میلیون از جمعیت این کشور آواره شده‌اند؛ حدود ۳۰۰ هزار نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند و بخش عظیمی از کشور سوریه، به یک ویرانه تبدیل شده است.

در چنین موقعیتی شهروندان کردستان سوریه به رهبری حزب اتحاد دموکراتیک ، PYD اعلام کردند که در این جنگ داخلی، نه موضع دولت را خواهند گرفت و نه موضع اپوزیسیون را، و خط سوم و آلترناتیوی پیشنهاد خواهند داد. حزب اتحاد دموکراتیک که سال ۲۰۰۳ بنیان گذارده شد، حزبی‌ست که وابسته به ک.ج.ک (اتحاد جامع کردستان) است. از سال ۲۰۱۲ ارتش سوریه نیروهایش را از مناطق کردستان عقب کشید و نیروهای نظامی کردها PYD نیروهای مدافع خلق YPG و نیروهای مدافع زنان YPJ مناطق کردنشین را به کنترل خود درآوردند و سه کانتون را تشکیل دادند. کانتون اول که هم مرز عراق و ترکیه است کانتون جزیره است و مرکز آن شهر آمده است. کوبانی کانتون میانی است و مرکز آن شهر کوبانی و کانتون بعدی عفرین است که نزدیک به دریای مدیترانه است.

شهروندان کردستان سوریه بدون در نظر گرفتن ملیت و جنسیت و باورهای مذهبی، از سال ۲۰۱۲ دست به سازمان‌دهی تشکیلاتی زدند از پائین به بالا و تا ژانویه ۲۰۱۴ که این کانتون‌ها اعلام خودگردانی (self administration) کردند و از به کار بردن ادبیات دولت و حکومت خودداری کردند و اعلام نمودند که در پی برپایی سیستم سیاسی آلترناتیوی هستند که بتوانند به صورت مدلی درآوردند تا در مناطق دیگر سوریه و یا خاورمیانه به اجرا درآید.

زنان روژاوا، نقش برجسته و قابل توجهی داشتند و دارند. بسیاری از زنان، در «یگان مدافع زنان» فعالیت نظامی دارند. آن‌ها می‌خواهند در صورت عدم حضور مردان از مردم و قوانین و اهداف خود دفاع کنند. این زنان، عملاً در عرصه های سیاسی و حتا نظامی نشان دادند که خودشان را از اسارت نابرابری و مردسالاری که در منطقه وجود دارد، رها کرده‌اند و در این راه تلاش می‌کنند.

در حال حاضر یگان مدافع زنان، بیش از هفت هزار داوطلب دارد و سن آن‌ها از ۱۸ تا ۴۰ سال است. به طور کلی رزمندگان روژاوا، از طرف هیچ دولتی حمایت مالی و سیاسی نمی‌شوند و تنها پشتوانه آن‌ها مردم روژاوا و حامیان بین‌المللی و منطقه‌ای آن‌ها هستند.

وقایع زیادی که بعد از انقلاب ۵۷ مردم ایران در کردستان روی داد شباهت‌های زیادی با تحولات روژاوا دارد. اما حرکت کردستان ایران بر خلاف روژاوا این‌قدر افکار عمومی مردم مترقی جهان و منطقه را به خود جلب نکرد و سرکوب شد. اما روژاوا در حال شکوفایی و گسترش است. از این‌رو، ما کمونیست‌های ایرانی که سرکوب کردستان و ترکمن صحرا و همه جای ایران، به خصوص انواع و اقسام جنایت‌های هولناک حکومت اسلامی را دیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم حقیقتاً از اقدامات جنایتکارانه داعش چندان متعجب نشده‌ایم. چرا که داعش با همه تبهکاری‌های تاکتیک‌اش، قابل مقایسه با انبوه جنایات حکومت اسلامی ایران نیست. بنابراین، ما باید دل‌سوزانه‌تر و جدی‌تر در تحولات روژاوا درگیر شویم و نقاط ضعف آن را نقد و نقاط قوتش را برجسته کنیم تا بتوانیم هم آن را به عنوان یک مدل مناسب به ایران نیز گسترش دهیم و هم در حد توان و امکانات‌مان و با خلوص نیست به یاری مردم روژاوا بشتابیم!

بی‌تردید فداکاری و جسارت و از خودگذشتگی و مبارزه یگان‌های دفاع مردمی (YPG)، یگان‌های دفاع زنان (YPJ) و...، هم در روژاوا و هم در شمال عراق، قابل تحسین است و نقش مهمی در عقب راندن داعش ایفا کرده‌اند.

تا جایی که به «حزب اتحاد دموکراتیک» (PYD) در روژاوا بازمی‌گردد، در واقع این حزب در طی جنگ داخلی سوریه، خود را نه در جبهه دولتی قرار داد و نه اپوزیسیون آن، بلکه «راه سوم» را در پیش گرفت.

مبارزه هدفمند مردم روژاوا برای دگرگونی وضع موجود، یکی از نادرترین و گران‌بهاترین تجارب عصر آزادی حاضر را رقم می‌زند. مدل جدیدی از اداره سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را با اتکا به اتحاد همه ساکنان در سه کانتون کردستان سوریه به جهانیان نشان می‌دهد. مدل روژاوا بر پایه، دو مدل اساسی و پایه‌ای دموکراسی مستقیم و دخالت فعالانه همه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت محلی و شهری مشارکت دارند و دیگری نفی ساختار دولت-ملت. از همین‌روست که روژاوا، مدل کاملاً جدیدی را در مقابل ما قرار داده است. مدلی که همه شهروندان نقش مشارکتی بی‌سابقه‌ای در مدیریت و اداره کانتون‌ها دارند.

مردم روژاوا، با چشم‌انداز جامعه‌ای جدید مبارزه‌ای خود را پیش می‌برند. یکی از زیربناهای اصلی این تلاش عظیم مردمی، ساختن جامعه‌ای بهتر برای جایگاه زنان است. نخستین‌بار است که در خاورمیانه، چنین تلاشی در روژاوا به‌گونه‌ای سیستماتیک و هدفمند از پائین به بالا شکل گرفته و تلاش روژاوا، در برجسته کردن جایگاه نوین زنان در جامعه و سیاست و نیز تغییر نگرش‌ها و سنت‌ها به موقعیت آن‌ها در منطقه است.

واقعاً به طور قاطع و محکم می‌توان گفت که در قامیشلو و دیگر شهرهای بزرگ روژاوا، در مقایسه با کشورهای خاورمیانه، آزادی مفهوم و برابری و عدالت تا حدودی واقعی خود را پیدا کرده است. با این وجود، اما نمی‌توان کمبودها و مشکلات این منطقه را نادیده گرفت. بنابراین راه درازی برای تغییر نگرش‌ها در پیش رو داریم. شکستن تابوها و سنت‌های صدساله مذهبی و ناسیونالیستی و مذهبی و مردسالاری کار ساده‌ای نیست و زمان و آموزش نیاز دارد. به گفته چاکرام هالو، رئیس پارلمان قامیشلو: «روژاوا نه کشوری کردی است و نه دولتی کردی. این نظام کردستان سوریه (متشکل از تمام اقوام و مذاهب مختلف) است که نقشی فوری و مهم در اداره دموکراسی و حکومت دارد. ما می‌خواهیم در سوریه بمانیم؛ در سوریه‌ای دموکراتیک و الگوی ما شاید الگویی برای بقیه سوریه باشد».

همه مؤسسات، رئیس مشترک یا معاون رئیس دارند که از میان زنان یا نمایندگان ملیت‌ها و حتا ادیان مختلف انتخاب می‌شوند. به این معنا، سیستم اداره روژاوا، به یک جریان ناسیونالیستی یا گروه مذهبی اجازه نمی‌دهد دیگران را

تحت‌الشعاع قرار دهند و آزادی و عدالت، به خصوص نقش زنان را هم تضمین می‌کند. در همه جا و نهادها و غیره کردها، عرب‌ها، مسیحیان، ایزدی‌ها، ترکمن‌ها و چچنی‌ها را می‌بینم.

اصول دموکراسی و خودگردانی مستقل در روژاوا مبتنی بر «قرارداد اجتماعی» است، معادل یک قانون اساسی، که کارها و سازماندهی سیستم سیاسی را اداره و جهت می‌دهد. مبنای اصلی این «قرارداد اجتماعی»، برابری و حقوق همه ملیت‌ها و مذهبی کردستان سوریه، دموکراسی مستقیم و رد مفهوم دولت-ملت است.

اولین پاراگراف مقدمه این «قرارداد اجتماعی» تصریح می‌کند: «ما، مردم منطقه خودگردان دموکراتیک، کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها، ترکمن، ارمنه و چچنی‌ها با اراده کاملاً آزاد به آگاهی می‌رسانیم که عدالت، آزادی، دموکراسی و حقوق زنان و کودکان را تأمین می‌کنیم.»

در ادامه این «قرارداد اجتماعی» آمده است: «نظام دموکراتیک مناطق خودمختار مفهوم دولت-ملت و دولت‌هایی مبتنی بر نیروی نظامی، مذهبی و مرکزگرایی را به رسمیت نمی‌شناسد.»

این مدل از دولت-ملت یکی از مهم‌ترین و عمیق‌ترین ابعاد انقلابی تجربه روژاواست. به عبارت دیگر، برخلاف آنچه پس از تقسیم یوگسلاوی اتفاق افتاد و قدرت‌های غربی، به شکلی سیستماتیک از جنگ داخلی و تجزیه این کشور دامن زدند، تجربه روژاوا متکی به خود است.

به علاوه سمپاتی نسبت به واحدهای PKK زمانی بیش‌تر شد که آن‌ها ماه اوت سال گذشته، کرپدوری را برای کمک به اقلیت ایزدی فراری از خطر قتل‌عام وحشیانه به دست ارتجاع داعش در کوه‌های سنجار در شمال عراق حفظ کردند. با وجود نیروهای زیاد و سلاح‌های بهتر «پیشمرگه»های «حزب دمکرات کردستان» (KDP) و «حزب میهنی کردستان» (PUK)- به عنوان احزاب حاکم بر منطقه خودمختار کرد در شمال عراق، هم چون نیروهای ارتش عراق در شهر اربیل، در مقابل داعش عقب‌نشینی کردند. این واقعه نشان می‌دهد که وقتی کارگران و توده‌های مردم، یعنی کسانی که در تولید اقتصادی و اجتماعی نقش دارند، مسلح باشند و یگان‌های خود را ایجاد کنند، به بهترین وجهی جامعه را از هر نظر اداره می‌کنند از جمله سازماندهی مقاومت مردمی. اما به محض این که یک ارتش کلاسیک با نظامیانی صرفاً مزدبگیر ایجاد شود، با گذشت زمان نقش آن‌ها در حیات و تولید اجتماعی کمتر و در نهایت به سر بار جامعه تبدیل می‌شوند که هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای دفاع ندارند. همان‌طور که که مارکس و انگلس هم (در مطالبات حزب کمونیست آلمان، ۱۸۴۸) مطرح می‌کردند: «مسلح کردن همگانی مردم؛ در آتی، ارتش‌ها می‌باید در آن واحد ارتش‌های کار نیز باشند، به طوری که سربازان برخلاف سابق، صرفاً مصرف نکنند، بلکه بیش از آنچه برای نگهداری خود ضروری است، تولید نمایند.»

رشد و گسترش و شکوفایی ایجاد شوراهای و کمیته‌های دفاع با انتخابات دمکراتیک مستقیم در تمامی نواحی روژاوا، شهرها و روستاها، امری مهم و ضروری است. چنین سازماندهی مردمی، فضائی تشویق‌کننده‌ای به وجود می‌آورد که همه شهروندان بدون توجه به ملیت، جنسیت و باورهای سیاسی و مذهبی‌شان، نقش فعالی در ساختن جامعه نوین با معیارها و ارزش‌های انسان‌دوستانه بسازند و در عین حال مبارزه قدرت‌مندی علیه داعش و دیگر نیروهای واپس‌گرا داشته باشد.

برنامه PYD رسماً هدف خود را تحقق خودگردانی دمکراتیک اعلام کرده و در منشور آن هم ضمن تأیید دوباره همین هدف، اضافه شده است که از نظر حزب، پروژه کنفدرالیسم دمکراتیک، مکانیسمی عمومی است نه فقط برای متحد کردن کردها در خاورمیانه، بلکه همین طور الگویی برای زندگی در کنار هم و به طور اخص تبدیلی در برابر فرقه گرایی‌های مذهبی و قومیتی.

در واقع این رهبر زندانی PKK، عبدالله اوجالان بود که نخستین بار بحث‌هایی را در مورد خودگردانی دموکراتیک و کنفدرالیسم دموکراتیک در بین کردهای ترکیه، آن هم با اتکا به آثار و افکار «موری بوکچین»، آغاز کرد. بوکچین که در یک خانواده مهاجر روس در نیویورک متولد شده بود، در دوره نوجوانی در جنبش جوانان حزب کمونیست آمریکا فعال بود، اما اواخر دهه ۱۹۳۰ از آن جنبش دور شد. وی ابتدا خودش را در صف ترولسکیست‌ها و حزب کارگران سوسیالیست قرار دارد، منتها به دلیل اختلافاتی که بر سر مفاهیم سلسله مراتب و سانترالیسم داشت، از آن حزب هم جدا کرد و از دهه ۱۹۵۰ به بعد، خود را یک سوسیالیست آزادی‌خواه نامید و گرایش‌های آنارشستی پیدا کرد.

اوجالان در «یادداشت‌های زندان» که خلاصه صحبت‌های او با وکلایش هست، در چندین مورد به بوکچین اشاره کرده است (در سال ۲۰۰۲ و چندین بار هم طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶). وی در نشست با وکلای خود در اول دسامبر ۲۰۰۴، اعلام کرد «جهانی‌بینی‌ای که مدافعش هستم، به جهان‌بینی بوکچین نزدیک است». حتی در همین سال اوجالان با بوکچین از طریق وکلای خود تماس گرفت و ضمن ارسال یکی از دست‌نوشته‌هایش، از وی خواست که وارد بحث و دیالوگ بشود. منتها بوکچین ۸۳ ساله، بیمارتر از آن بود که چنین درخواستی را قبول کند. اما وی به اوجالان ادای احترام کرد و گفت که امیدوار است کردها قادر به استقرار جامعه‌ای آزاد باشند. وقتی بوکچین در سال ۲۰۰۶ درگذشت، PKK او را به عنوان «یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان اجتماعی قرن بیستم» مورد ستایش قرار داد.

اما اوجالان تحت تأثیر ایده‌های بوکچین، درک مشابهی از کنفدرالیسم را بسط و تکامل داد. به همین دلیل است که اعلام می‌کند: «PKK تحت تأثیر سوسیالیسم واقعی، تا مدت‌ها قادر نبود که از پارادایم دولت-ملت‌گرایی فراتر برود». به این ترتیب پروژه دگرگونی PKK از حزبی با هدف ساخت دولت، به جنبشی با هدف ایجاد یک جامعه دموکراتیک آغاز شد. از سال ۲۰۰۵، PKK و تمامی سازمان‌های وابسته و زیرشاخه‌اش، حول همین پروژه، تحت عنوان KCK به عنوان بدیلی در برابر «دولت-ملت» تجدیدساختار پیدا کرده‌اند.

این پروژه در پیش‌گفتاری به قلم اوجالان بر پیمان‌نامه‌ای که در مه ۲۰۰۵ مورد پذیرش «کنگره مردم کردستان» قرار گرفت، چنین توصیف شده است: «کنفدرالیسم دموکراتیک کردستان یک سیستم دولتی نیست، بلکه سیستم دموکراتیک مردمی بدون یک دولت است... قدرت خود را از مردم می‌گیرد و خواهان دستیابی به خودکفایی در تمامی حوزه‌ها از جمله اقتصاد است. کنفدرالیسم دموکراتیک جنبش مردم کرد برای بنیان نهادن دموکراسی خود آن‌ها و سازمان‌دهی سیستم اجتماعی خود آن‌هاست... کنفدرالیسم دموکراتیک، تجلی اتحاد دموکراتیک مردم کردی است که بین چهار بخش تقسیم شده و در سرتاسر جهان پراکنده شده‌اند... مفهوم یک ملت دموکراتیک را به جای ملتی ناسیونالیست-دولت‌گرا بر پایه مرزهای سفت و سخت، بسط می‌دهد.»

در منشور خودمختاری دموکراتیک، مسأله ذخایر و منابع طبیعی، اقتصاد و مالکیت به شکل زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند: «نظام اقتصادی در نواحی تحت خود-مدیریتی (خودمختاری دموکراتیک) به شکلی عادلانه، پایدار و متکی بر توسعه جهانی کار می‌کند؛ متکی بر توسعه علم و تکنولوژی است با هدف تضمین نیازهای انسانی و یک استاندارد زندگی شایسته برای کلیه شهروندان، از طریق افزایش تولید و بهروری، و با تضمین اقتصاد مشارکتی ضمن تشویق رقابت مطابق با اصل خودمختاری دموکراتیک» (به هر کس مطابق با کارش) و جلوگیری از انحصار و اجرای عدالت اجتماعی، تضمین شکل مالکیت ملی بر ابزار تولید، حفظ حقوق کارگران و مصرف‌کنندگان، حمایت از محیط زیست و تقویت حق حاکمیت ملی.»

اعتراضات ترکیه نمونه مهمی از آن سیاستی است که می‌تواند از سوی کمونیست‌ها و اتحادیه‌های کارگری در مقیاسی وسیع‌تر صورت بگیرد؛ حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) و کنگره دموکراتیک مردم (HDK) فراخوان به حمایت و همبستگی با مقاومت مردم کوبانی دادند و تمامی نیروهای کمونیست و دموکراسی و صلح در ترکیه حمایت خود را اعلام

کرده‌اند. در این بین می‌توان به «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارمندان بخش عمومی» (KESK)، «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری انقلابی» (DİSK)، «اتحادیه پزشکان ترکیه» (TTB)، «اتحادیه مهندسين و معماران ترکیه» (TMMOB) اشاره کرد. این تشکل‌ها اعتصاب ۱ روزه‌ای را در تاریخ ۹ اکتوبر ۲۰۱۴ در دفاع از کوبانی سازمان‌دهی و برگزار کرده بودند. همچنین «اتحادیه کارکنان بخش آموزشی و علمی» (Eğitim-Sen) که شاخه‌ای از KESK است، این اعتراض را به دو روز، ۸ و ۹ اکتوبر، بسط داده بودند.

انجمن‌ها و شوراهای خود-مدیریتی روژاوا به طور بالقوه می‌توانند نقش مهمی در تشویق دخالت‌گری فعال و دموکراتیک کارگران و توده‌های مردم، دهقانان فقیر، زنان و جوانان، آن هم نه فقط در وظایف فوری دفاع از منطقه در برابر ارتجاع داعش، بلکه در همه عرصه‌های دیگر جامعه داشته باشد. پایه شوراهای و مجامعی را باید طوری محکم کرد که قدرت تصمیم‌گیری داشته باشند و در سطح محلی، منطقه‌ای و وسیع‌تر به یک دیگر متصل شوند. این که تمامی شوراهای بر پایه انتخابات مستقیم اعضایش، با قابلیت عزل و نصب در تمامی سطوح و حق کلیه احزاب سیاسی برای دفاع دموکراتیک از دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود شکل بگیرد، حیاتی است. این شوراهای به یک نظام کنترول و مدیریت دموکراتیک کارگری نیاز دارند، نه این که صرفاً برای اجرای تصمیمات یک حزب یا چند حزب.

در جمع‌بندی می‌توان تأکید کرد که تاریخ مردم منطقه خاورمیانه، به ویژه مردم کرد، تاریخ مبارزه سخت و طاقت فرسا است. اما در عین حال، تاریخ بده و بستان‌های نهان و آشکار و سازشکاری‌های رهبران مختلف احزاب و سازمان‌های کرد هم هست. برخی از آن‌ها، به خاطر منافع شخصی و فرقه‌ای‌شان با دولت‌های جهانی و منطقه‌ای همپیمان و هم‌جهت شده‌اند. حتا برخی مواقع رهبری ناسیونالیستی احزاب کردی، در مماشات و سازش با حاکمان و هم اطرافیان را قربانی کرده‌اند. اساساً یکی از ویژگی‌های گرایش ناسیونالیستی و لیبرالی، مماشات با دولت‌ها و بورژوازی است. کافیست که به عملکردها و سرنوشت رهبران احزاب ناسیونالیستی از جمله ناسیونالیست‌های کرد در منطقه نگاه کنیم؛ به سادگی ماهیت سازشکارانه آن‌ها را می‌بینیم.

اما روشن است که بحث صرفاً بر سر مذاکره با دولت‌ها نیست، بلکه جوهر بحث بر سر مذاکرات و توافقات پنهانی آن‌ها با دولت‌هاست. چنین توافقاتی، اغلب نه به نفع مردم تحت ستم، بلکه به نفع دولت‌ها تمام شده است.

بدون شک در اهداف و سیاست‌های روژاوا و پ.ک.ک و...، کمبودها و اشکالات عدیده‌ای وجود دارد که قابل نقد هستند. اما نقد، زمانی می‌تواند موثر واقع گردد که در فضائی دوستانه و رفیقانه و البته با هدف تقویت آن جریان معین صورت گیرد نه نفی آن. از این‌رو، روشن است که ما کمونیست‌ها به کنفدرالیسم دموکراتیک در روژاوا و سیاست‌های پ.ک.ک، نقد داریم. اما این نقدهای ما، نباید به عدم نزدیکی و یا همکاری متقابل با آن‌ها منجر شود.

مسئله پیروزی روژاوا، پیروزی جنبش کارگری کمونیستی جهانی است پس ما نباید مردم رنج‌دیده و محروم و سرافراز روژاوا را تنها بگذاریم بنابراین ساختن جهان دیگری ممکن است!

شنبه بیستم تیر ماه [سرطان] ۱۳۹۴ - یازدهم جولای ۲۰۱۵